

از اندیشه او با محوریت اخلاق جنسی است.

آثار متعلق به جاحظ

۱. رساله تفضیل البطن علی الظهر. در جلد یک کتاب الحیوان که خود جاحظ بعضی از آثارش را فهرست کرده و نیز در الفهرست ابن ندیم و معجم الأدباء یاقوت حموی نامی از این رساله برده نشده است. دستنویسی از آن در موزه بریتانیا به شماره ۱۷:۱۱۲۹ موجود است. کارل بروکلیمان آن را در دسته نژادها و گونه‌های انسانی آورده (۱۹۶۲: ۱۱۶) و رضوان مساح موضوع آن را انسان‌شناسی و زمان تألیفش را دوره وزارت محمد بن عبدالملک زیات (۲۱۸-۲۳۷ق) می‌داند (ص ۲۰۷).

علی ابوملحم این رساله را ناقص دانسته و آن را در کتاب رسائل الجاحظ به سال ۱۹۸۷م/۱۴۰۷ق. و عبدالسلام محمد هارون در رسائل الجاحظ، جزء رابع در ۱۹۷۹م/۱۳۹۹ق. در بیروت به چاپ رسانده‌اند.

همچنین جاحظ رساله‌ای با نام ذم اللواط داشته که فقط یک صفحه از آن باقی مانده و گویا به اشتباه، این یک صفحه در رساله المعلمین آمده، ابوملحم آن را به مناسبت موضوع واحد به رساله تفضیل البطن علی الظهر اضافه کرده و احتمال داده قسمتی از کتاب ذم اللواط بوده که از بین رفته است (جاحظ ۱۹۸۷: ۱۵۸).

رساله ۹ صفحه‌ای تفضیل البطن علی الظهر (چاپ ابوملحم) به صورت مناظره با شخصی فرضی در ذم لواط و نهی از آن به عنوان پدیده‌ای خلاف عقل، طبع و شرع و تشویق به شیوه درست روابط جنسی است. این رساله، یک تکنگاری مستقل در اخلاق جنسی می‌باشد و جنبه تعلیمی دارد. آغاز و پایان آن دعا و پند مشفقانه است. علت قلم‌فرسایی جاحظ در این موضوع، رواج بسیار لواط در عصر وی، عصر عباسیان، بوده است.

ابتکار عمل جاحظ در این رساله آن است که با دلایل متعدد عقلی و نقلی و به شیوه تطبیقی سعی در اثبات و شناساندن علل برتری بطن، زشتی و پستی ظهر و تفاوت این دو به عنوان اعضای جنسی دارد تا در نهایت به هدف اصلی «اثبات قبح لواط» برسد و لواط مربوط به ظهر است. و در این راستا با اثبات برتری بطن، طریقه درست آمیزش جنسی یعنی اکتفای مرد به

کتابشناسی توصیفی جاحظ در اخلاق جنسی

منیره حدادی (کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی)
monirhadad@yahoo.com
زینب برخوردار (استادیار دانشگاه تهران)
Barkhordariz@ut.ac.ir

جاحظ (۱۶۰-۲۵۵ق) نویسنده و ادیب بزرگ عرب، کتاب‌هایی در تمام شاخه‌های علم، ادب، سیاست، دین، فلسفه، کلام... دارد (جیبیر، ۱۹۶۸: ۱۶). شاید بتوان جاحظ را در شمار نویسندگانی قرار داد که همه منابع، بر انبوهی آثار او تصریح کرده‌اند. کهن‌ترین فهرست آثار جاحظ، از آن خود وی است که در کتاب حجیم الحیوان تعدادی از آثارش را فهرست‌بندی کرده است، بعدها ابن ندیم (۳۸۵ق/۹۹۵م) بالغ بر ۱۰۰ کتاب و یاقوت حموی (۶۲۶ق/۱۲۲۹م) حدود ۱۲۸ اثر از وی نام برده‌اند. در میان محققین معاصر، بیشترین سهم تفحص در آثار جاحظ متعلق به خاورشناسانی چون کارل بروکلیمان و پژوهشگران عرب از جمله طه حاجری، علی ابوملحم و عبدالسلام محمد هارون است، اما از آنجا که جاحظ در بیشتر آثارش از فن استطراد بهره برده است، ارائه فهرستی از آثار وی که موضوع محور و دقیق باشد، چندان امکان‌پذیر نیست، بنابراین علاوه بر فهرست‌نگاری‌های کلی، تهیه فهرست‌های جزئی‌تر الزامی به نظر می‌رسد و این امر، بهتر گستره اندیشه جاحظ را نشان می‌دهد.

در این پژوهش کوتاه، آثار مستقل در اخلاق جنسی یا مرتبط با آن که متعلق یا منسوب به جاحظ باشد، معرفی و طرحی کلی از مباحث مهم در هر اثر، تاریخ تألیف، انگیزه نگارش، وضعیت نشر، ارتباط با دیگر آثار، مختصری از سبک نگارش، تعداد صفحات و پیشینه پژوهش ارائه می‌گردد. هدف از نگارش این مقاله، آشنایی با میراث جاحظ و حصول کلیاتی

۱ استطراد، خروج نویسنده از موضوعی به موضوعی قریب یا بعید دیگر است (فروخ، ۱۳۸۸: ۲/۳۰۵).

مورد تمتع هم جنس های خویش بودند، کنیزان و دیگر زنان، عیوب و برتری کنیز و غلام نسبت به هم، بررسی زیباشناسی این دو صنف، خاصه «مجدوله» - زن زیبا - و تحلیل روانشناختی از تغییرات جسمی و روحی صنف نوظهورتری به نام غلامان اخته از مهم ترین مباحث این رساله است. جاحظ در جلد اول الحیوان نیز به بحث از اختگان می پردازد. هدف جاحظ، نکوهش لواط و زنا و نهی از پدیده اختگی است. خاتمه این رساله را ۲۸ روایت داستان گونه از زبان ظرفا و اهل مزاح تشکیل می دهد، بیشتر این روایات مربوط به اهل لواط، اهل زنا و دیگر شهوت رانان و هرزگان است. جاحظ هدف از این بخش را ایجاد نشاط و رفع خستگی مخاطب عنوان کرده است، اما بسیاری از این روایات، چنان مستهجن و تلخ و گزنده است که به راستی جایی برای نشاط مخاطب باقی نمی ماند.

۳. کتاب الحیوان. جاحظ این کتاب را به محمد بن عبد الملک الزیات وزیر معتصم و واثق اهدا و بابت آن پنج هزار دینار جایزه دریافت کرد (حموی، ۱۴۰۰: ۱۰۶/۱۶). وی این کتاب را در سن پیری که افلیح بوده و قبل از کتاب البیان و التبین نوشته و در البیان به این مطلب اشاره می کند (جاحظ ۱۳۵۷: ۲۵-۲۶). جمیل جبر آن را آخرین تصنیف جاحظ می داند، به دلیل اینکه وی در این کتاب از دیگر آثارش نام می برد (۱۹۶۷: ۱۷). ابن ندیم از این کتاب و اجزاء هفتگانه آن نام می برد (۱۳۴۳: ۳۰۶-۳۰۷). نسخه مصور جلد یک تا چهار این کتاب متعلق به سال ۸۵۹ق به شماره ۴۲۵۸ در مکتبه کوپریلی موجود است. جلد اول این کتاب با نام البارع فی الأدب و الجامع فی حکم العرب و جلد دوم آن در سال ۱۹۰۵م/۱۳۲۳ق. و جلد سوم تا هفتم به سال ۱۹۰۶-۱۹۰۷م/۱۳۲۴-۱۳۲۵ق. در مصر به کوشش محمد افندی ساسی مغربی به چاپ رسید. محمد هارون این کتاب را در هفت جلد در قاهره دوبار به چاپ رسانید: نخست در مکتبه الحلبی بین سال های ۱۹۳۸-۱۹۴۷م/۱۳۵۶-۱۳۶۵ق. و دیگری در سال های ۱۹۳۸-۱۹۴۵م/۱۳۵۶-۱۳۶۳ق. و بعدها نیز به تجدید چاپ آن اقدام کرد. همچنین او تمام نسخه های خطی و چاپی این کتاب را به طور دقیق دسته بندی کرده است (جاحظ ۱۳۵۷: ۲۹).

بطن زن محقق می گردد که پدیده ای مطابق با شرع، عقل و طبع آدمی است. البته پسندیده نشان دادن بطن، باعث موجه بودن ارتباط جنسی زنان با هم از طریق بطن (مساحقه) نمی شود، بلکه جاحظ در رساله مفاخره الجوارى و الغلمان با استدلال عقلی این پدیده را نیز رد می نماید.

این اثر و رساله مفاخره الجوارى و الغلمان از لحاظ موضوع شبیه و مکمل هم هستند، اما رساله مفاخره، طولانی تر و از وحدت موضوعی کمتری برخوردار است. از مطالعه رساله تفضیل البطن علی الظهر می توان فهمید که جاحظ موافق سرکوب غریزه جنسی نیست، بلکه او با شفقت بسیار به طریقه درست اخلاق جنسی دعوت می کند. در مورد این رساله جز مقدمه و حاشیه کوتاهی از علی ابوملحم پژوهشی صورت نگرفته است.

۲. رساله مفاخره الجوارى و الغلمان. ابن ندیم (الفهرست، ص ۳۰۸) و یاقوت حموی (معجم الأبناء، ۱۶: ۷۶) از این رساله با نام کتاب الجوارى یاد کرده اند. شارل پلا^۳ این رساله را در ۱۹۵۷م/۱۳۷۶ق.، محمد هارون در ۱۹۶۴م/۱۳۸۴ق. در رسائل الجاحظ و علی ابوملحم در ۱۹۸۷م/۱۴۰۶ق. در مجموعه رسائل الجاحظ منتشر ساختند. صلاح الدین منجد معتقد است کتاب الحکایات از قاضی القضاة بدر الدین عینی مشابه این رساله است (جاحظ ۱۴۱۴: ۸۹). این رساله کامل به دست ما رسیده است (جاحظ ۱۹۸۷: ۶۳). مساح تألیف آن را در دوره ابن زیات (۲۱۸-۲۳۷ق.) و موضوعش را انسان شناسی می داند (همان) و بروکلیمان آن را در دسته نژادهای انسانی قرار داده است (همان).

این رساله یک تکنگاری مستقل در اخلاق جنسی است و جنبه آموزشی دارد. زبان این رساله سخت و دیریاب است. آغاز آن طلب هدایت از خداوند و توکل بر اوست. جاحظ در این اثر ۳۱ صفحه ای ابتدا به تحلیل جواز استعمال کلمات و عبارات مستهجن (جنسی) می پردازد، سپس با خلق دو شخصیت فرضی - صاحب کنیزان و صاحب غلامان - به شناسایی و بررسی اصنافی از انسان ها که در عصر وی بیشتر به عنوان شیء جنسی مورد استفاده دیگران بودند می پردازد. غلامان جوان زیباروی و به عبارت دقیق تر غلامانی نوجوان که

3 Charles Pellat

کتاب الحيوان فقط به موضوع حیوان‌شناسی اختصاص ندارد، بلکه به برکت بکارگیری فن استطراد، این کتاب دایرة‌المعارفی آشکار از فرهنگ عصر عباسی و دارای جوانب متعدد است: معارف طبیعی، مسائل جغرافیایی و تأثیر محیط در حیوان، انسان و درخت، سخن از نژادهای بشری و تفاوت آنها، قضایای تاریخی، طب و امراض، مسائل فقه و دین، برگزیده شعر عربی و نادره و فکاهه‌گویی و ... (جاحظ ۱۳۵۷: ۲۸-۲۹).

جاحظ در بخشی از جزء اول الحيوان به بررسی موضوع نوپدید اختگی در دنیای اسلام می‌پردازد. در این بخش، تحلیل روانشناختی از وضعیت جسمی و روحی اختگان، محاسن و معایب و تفاوت‌های آنها از لحاظ موقعیت جغرافیایی و نژادی را مورد بحث قرار داده و اثبات می‌کند که قطع عضو منجر به از بین رفتن غریزه جنسی به عنوان یک امر ذاتی نمی‌گردد. موضع جاحظ در باب اختگان منصفانه و سرشار از دقت علمی است. و طبق دلایل عقلی و نقلی، پدیده اختگی را رد و آن را خلاف طبع انسان معرفی می‌کند.

گرچه پژوهش‌هایی درباره کتاب الحيوان صورت گرفته است، اما بخش اختگان مورد بررسی و حتی چندان مورد اشاره پژوهشگران نبوده است.

۴. رساله القیان. جاحظ در فهرست خود از این رساله نام نبرده است. اما ابن ندیم (۳۰۸: ۱۳۴۳) و یاقوت حموی (۱۴۰۰: ۱۰۸/۱۶) از این اثر با نام «کتاب المغنیین و الغناء و الصنعه» یاد کرده‌اند. دست‌نویسی از آن در مکتبه داماد ابراهیم به شماره ۱۴: ۹۴۹ وجود دارد. بروکلیمان آن را در دسته پیشه‌ها و اصناف قرار داده است (بروکلیمان ۱۹۶۲: ۱۱۹). از آنجا که جاحظ در این رساله از چند شخصیت تاریخی مثل ریطه دختر سفاح عباسی، خیزران زن مهدی عباسی، هارون الرشید، عباسه خواهر هارون الرشید و مأمون و أم جعفر زن او نام می‌برد می‌توان زمان تقریبی تألیف آن را دوره خلافت مأمون، بین سال‌های ۱۹۸ تا ۲۱۸ ق. فرض کرد، چون از لحاظ ترتیب تاریخی مأمون بعد از دیگر اشخاص نام برده قرار می‌گیرد. یوشع فنکل^۴ آن را در مجموعه ثلاث رسائل لأبی عثمان عمرو بن بحر الجاحظ در ۱۹۲۶ م/ ۱۳۴۴ ق. در قاهره و محمد

هارون در مجموعه رسائل الجاحظ، جزء رابع در ۱۹۷۹ م/ ۱۳۹۹ ق. و ابوملحم در رسائل الجاحظ در ۱۹۸۷ م/ ۱۴۰۵ ق. به چاپ رسانده‌اند. اسکار رشر^۵ این رساله را در ۱۹۳۱ م/ ۱۳۴۹ ق. به آلمانی، شارل پلا در ۱۹۵۶ م/ ۱۳۷۴ ق. به فرانسه و علیرضا ذکاوتی قراگزلو در ۱۳۸۰ ش، به فارسی ترجمه کرده‌اند.

این رساله یک تک‌نگاری مستقل در اخلاق جنسی و مفاهیم مرتبط با آن و یکی از مهم‌ترین آثار جاحظ در موضوع مورد بحث است. پلا آن را هدیه‌ای به ادبیات عرب می‌داند (۱۴۰۶: ۳۸۷) این اثر ۲۳ صفحه دارد و توأم با پیچیدگی و تناقض و زبان آن سخت است.

جاحظ در این رساله صنف جدیدی به نام «قینه» (کنیز زیبارو، آوازخوان، تعلیم دیده و اهل شعر و ادب) و «مُقیّن» کسی که کار او خرید و فروش، نگهداری و اجاره دادن قینه است معرفی می‌کند، صنفی که از راه امور جنسی به کسب درآمد و مقام بالایی می‌رسید. فردریک سیکار (۱۳۶۸: ۱۱۲) بیان می‌کند: «رسالة القیان جاحظ به دلیل اینکه اولین اثر مثنوی است که مسئله عشق را در خصوص «قینه» به صورت نظری مطرح کرده است، بین آثار اسلامی که به عربی و درباره عشق نوشته شده، جایگاه خاصی دارد... جاحظ، نویسنده بزرگ عرب، آغازگر یک نوع ادبی است، و این قبیل آثار که می‌توان آنها را «ادبیات» یا «آثار عشقی» نامید پس از جاحظ بسیار متداول شده است» جاحظ بیان می‌کند که در این رساله، حجت‌های خویش را علیه کسانی که او را به سبب کنیزداری سرزنش می‌کنند، بیان داشته است. اما به نظر می‌رسد روشن‌سازی نقش قینه و پرده برداشتن از ترفندهای تجارت‌گونه او به عنوان عاشقی دروغین، هدف و انگیزه اصلی نگارش این رساله است. وی به بررسی و تحلیل مفاهیمی چون حجاب، غیرت، غناء و عناصر آن، عشق، حب، هوی، مسخر بودن زن برای مرد، شخصیت قینه و ... می‌پردازد. می‌توان گفت تمام مباحث مطرح شده در این رساله در نهایت به زن به طور عام و قینه به طور خاص ختم می‌شود.

۵. رساله فی النساء. رساله فی النساء یا العشق و النساء رساله‌ای که جاحظ بیان می‌کند آن را در ایام پیری نوشته و در

5 Oskar Rescher

4 Usha Finkel

فهرست خود از این رساله با نام فصل ما بین الرجال و النساء (جاحظ ۱۹۸۷: ۷۰) و ابن ندیم از آن با نام النساء یاد کرده است (همان). دیوید ساموئل مارگلیوث^۶ آن را در حاشیه کتاب الکامل مبرد، جلد دوم در قاهره به سال ۱۹۰۵/م ۱۳۲۳ ق.، ابوملحم در رسائل الجاحظ در ۱۹۸۷/م ۱۴۰۵ ق. و محمد هارون در جزء ثالث رسائل الجاحظ در ۱۹۹۱/م ۱۴۱۱ ق. در بیروت به طبع رسانده‌اند.

از آنجا که موضوع اصلی این رساله درباره زن است، می‌توان آن را مکمل رساله القیان دانست، اما نگاه جاحظ به زن به عنوان منشأ لذت مرد در رساله فی النساء توأم با تقدیر و تحسین زن و بالا بردن شأن و مقام اوست. در واقع رأی قاطع جاحظ در اینجا برخلاف رساله القیان با تغییر و انعطاف عجین شده است و به نظر می‌رسد انگیزه اصلی جاحظ در این اثر پاسداشت حقوق زن و یادآوری شأن و منزلت اوست. اما ارتباط این رساله با اخلاق جنسی، پرداختن به مفاهیمی چون عشق، حب و مراتب آن، حب زن، بررسی تطبیقی زیبا شناسی زن به عنوان نمونه کامل جمال و ... است که تمام این مفاهیم ارتباطی تنگاتنگ با اخلاق جنسی دارد.

جاحظ در خاتمه بیان می‌کند که علت اختصار رساله (۱۱ صفحه)، تألیف آن در سن پیری و غلبه بیماری و ضعف قوا بوده است و ابوملحم عقیده دارد این رساله به صورت کامل به دست ما نرسیده (جاحظ، ۱۹۸۷: ۸۱). و در مورد این اثر جز مقدمه و حاشیه کوتاه ابوملحم پژوهشی صورت نگرفته است.

همچنین جاحظ کتابی به نام ذم الزنا (ابن ندیم، ۱۳۴۳: ۳۰۸) و رساله‌ای به نام القعرة و الشفرة در موضوع شهوت زنان داشته که از بین رفته‌اند (ذکاوتی، ۱۳۸۰: ۱۴۶).

آثار منسوب به جاحظ

این کتاب ۷۹ باب دارد و در هر بابی محاسن و مساوی برخی اشیاء، صفات، اخلاق و آداب و سنن ذکر می‌شود و مقدار کمی از این کتاب مربوط به اخلاق جنسی است. از جمله ابواب مرتبط این موارد است: زنان بی بند و بار، زیبایی‌های زنان، محاسن ازدواج، محاسن وفای زنان و ضد آن، محاسن مکر زنان و ضد آن، زنان ناشزه (سریچی کننده از فرمان شوهر)، زنان خلفا، زنان مطلقه، محاسن توانایی جنسی (باه) و ضد آن و ... است. شیوه جاحظ در موضوعات نام برده، بیان داستان کوتاه

۱. کتاب المحاسن و الأضداد یا المحاسن و الأضداد و العجائب و الغرائب. ابن ندیم و یاقوت حموی نامی از این اثر نبرده‌اند. فان فلوتن^۷ نخستین کسی است که به چاپ این کتاب در لیدن (۱۸۹۸/م ۱۳۱۶ ق.) همراه با مقدمه‌ای به زبان فرانسه اقدام کرد و آن را از آن جاحظ دانست. سپس محمد

6 David Samuel Margoliouth.

7 Van Vloten.

از منقولات و در مثال عینی (مستندات جامعه) با برشمردن اسامی است. جاحظ اشعار بسیاری از شاعران مشهور می‌آورد و در مواردی از استشهاد دینی استفاده می‌کند. از جمله اشخاص مورد بحث او خلفا، زنان خلفا، زاهدان، شاعران، قبایل عرب، کنیزان، افراد بی نام و نشان و شخصیت‌های تاریخی است. زبان این کتاب سخت و توأم با پیچیدگی بسیار است.

۲. رساله تهذیب الأخلاق. این رساله را محمد کرد علی در ۱۹۲۴م/۱۳۴۲ق. در مجمع اللغة العربیه دمشق به نام جاحظ چاپ کرد. ابوحنیفه ابراهیم بن محمد آن را در ۱۹۸۹م/۱۴۱۰ق. منتشر کرده است. رشر آن را به آلمانی و محمد دامادی آن را به نام «یحیی بن عدی» در ۱۳۶۵ش. به فارسی ترجمه کرده‌اند. بروکلان آن را برحسب مضمون و اسلوب، متعلق به یکی از این دو شخص یعنی ابی زکریا یحیی بن عدی و محیی الدین ابن عربی می‌داند و اظهار می‌کند در قاهره به اسم این دو منتشر شده است (بروکلان، ۱۹۶۲: ۱۲۸). ابوملحم نیز آن را به یحیی بن عدی اسناد می‌دهد (جاحظ، ۱۹۸۷: ۴۶).

این رساله به تعریف اخلاق و اقسام آن یعنی اخلاق فاضله، مذمومه و اخلاق فی مابین، قوای شهویه، غضبیه، ناطقه، درمان قوه شهویه، قناعت در شهوات، مفارقت از امور شهوانی و لذات ناپسند و ... می‌پردازد. این اثر رهیافت ارسطویی دارد و از قوه شهوانیه نه به صورت ملموس، بلکه به معنای فلسفی و عام سخن گفته است. احد فرامرز قراملکی می‌گوید این رساله بیشتر به متن اخلاق فلسفی در نظام مشایب مسلمانان نزدیک و به احتمال زیاد متعلق به قرن ششم است (از ملاحظات دکتر قراملکی). این رساله از لحاظ سبک نگارش و محتوا برخلاف دیگر آثار جاحظ بسیار ساده، بدون پیچیدگی و پراکندگی و یکدست و منسجم است. در کل می‌توان گفت این رساله متعلق به جاحظ نیست.

فهرست منابع

- ابن ندیم، ۱۳۴۳ش، الفهرست، ترجمه م. رضا تجدد، تهران، کتابخانه ابن سینا.
- المنجد، لويس، بی تا، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ترجمه سیاح، تهران، انتشارات اسلام.

- بروکلان، کارل، ۱۹۶۲م، تاریخ الأدب العربی، ترجمه عبدالحلیم نجار، قاهره، دار المعارف.
- پلا، شارل، ۱۴۰۶ق، الجاحظ فی البصره و البغداد و سامراء، ترجمه: ابراهیم الکیلانی، دمشق، دار الفکر.
- جاحظ، ۱۳۵۷ق، الحیوان، شرح عبد السلام محمد هارون، ج ۱، بیروت، دار الأحياء.
- جاحظ، ۱۸۹۸م، المحاسن والاضداد، لیدن، مطبعة بریل.
- جاحظ، ۱۴۱۰ق، تهذیب الاخلاق، تحقیق ابوحنیفه ابراهیم بن محمد، دار الصحابه للتراث.
- جاحظ، ۱۳۴۲ق، تهذیب الاخلاق، تحقیق محمد کرد علی، دمشق، مجمع العلمی العربی.
- جاحظ، ۱۳۴۴ق، ثلاث رسائل، تحقیق یوشع فنکل، قاهره، بی نا.
- جاحظ، رسائل الجاحظ، تحقیق علی ابوملحم، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۷م.
- جاحظ، ۱۴۱۱ق، رسائل الجاحظ، تحقیق عبد السلام محمد هارون، الجزء الثاني، بیروت.
- جبر، جمیل، ۱۹۶۸م، الجاحظ فی حیاتة و أدبه و فکرة، بیروت، دار الکتب لبنانی.
- جبر، جمیل، الجاحظ و مجتمع عصره، بیروت، المطبعة الكاثولیکية، ۱۹۵۸م.
- حموی، یاقوت، ۱۴۰۰ق، معجم الأديباء، ج ۱۶، الطبعة الثالثة، دار الفکر.
- دهخدا، علی الکبر، ۱۳۷۷ش، لغت نامه، تهران، امیر کبیر.
- ذکاتوی قراگزلو، علیرضا، ۱۳۸۰ش، جاحظ، تهران، انتشارات طرح نو.
- سیکار، فردریک، ۱۳۶۸ش، «عشق در رساله القیان جاحظ»، ترجمه: نصر الله پورجوادی، تهران، معارف، ش ۱۸.
- فروخ، عمر، ۱۳۸۸ق، تاریخ الأدب العربی، ج، بیروت، دار العلم للملایین.
- معطوف، لويس، ۱۳۸۳ش، فرهنگ جدید عربی به فارسی، ترجمه: محمد بندر ریگی، تهران، اندیشه اسلامی.